

دولت دیدار

مست غم‌یم حاجت جام و پیاله نیست
خون می خوریم فرصت فریاد و ناله نیست

بر مهر چرخ بیهوده چشم طمع مبند
روزی ز خوان جود فلک بی حواله نیست

دردی که سالها تن رنجور ما فسرد
درمانش غیر آن بت مشکین کلاله نیست

بار فراق دوست که بر دوش خسته است
شرحش به هیچ دفتر عشق و رساله نیست

بگشا به خنده لعل عقیقی، که در دلم
خونابه غمی است که در جام لاله نیست

ما انتظار دولت دیدار می کشیم
راه نظر به جلوه گه این نواله نیست

بشکن سبوی باده و راح صفا بیار
در بزم ما نیاز به خمر دو ساله نیست

رضا شاپوریان
چهارشنبه ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۹